

جنگ، تاب آوری امدادی کشور را افزایش داد

مصاحبه



امیرحسین پوشتارزاده

با جلیقه ای سرخ و سفید روزه و نیم نشسته است و از سختی ها و شیرینی های حرفه ای که داوطلبانه برگزیده است، می گوید. دستش را سمت قلبش می برد، هلال قرمزی را که روی لباسش دوخته شده است، نشانم می دهد و اصرار می کند نگاهم را بدوزم به واژه ای که با دواخت قرمز، زیر آن نقش بسته است: «جمعیت هلال احمر». اصرار دارد بداند تمام عشق و علاقه ای که او و همکارانش را دور این نام جمع کرده، همین واژه «جمعیت» است؛ به معنای همه انسان ها. هنوز جوان است و گرد سپید چندان بی بر موها ندارد، اما می گوید ۲۵ سال از عمرش را زیر پرچم همین جمعیت، از کوران حوادث طبیعی و غیرطبیعی کشور گرفته تا سخت ترین روزهای جنگ دوگانه اخیر، زیست کرده است. استعداد ذاتی بوده است یا جوان باوری مدیران وقت که سید علی منیری بیست و دو ساله، راه پیشرفت را در سازمان جوانان هلال احمر، جهشی طی می کند و از بیست و هشت سالگی وارد دنیای مدیریت می شود. این حوزه آن هم در سطح ملی می شود. این اعتماد ادامه دارد تا اینکه رئیس سازمان، دو سال قبل حکمی در لباس مدیرعاملی جمعیت هلال احمر خراسان رضوی به نام سید علی چهل و هفت ساله متولد تهران، مهر می کند تا پای خدمت او را کیلومترها دورتر از محل تولد به مشهد باز کند. حوالی نیمه های اردیبهشت و در آستانه روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر، از میان گرد و خاک یک پروژه بزرگ در حال ساخت آموزشی این مجموعه، او را در مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال احمر استان ملاقات می کنیم تا بر ایمان از امداد رسانی و امدادگری بگوید؛ از سختی و تلخی اعزام تیمی از استان برای آواربرداری بیت رهبر شهید تا بغض برای آن کودک چهل روزه که با نقیر کمک بشردوستانه در آغوش درخت، آرام گرفت.

فکر می کنم اگر سال قبل همین روزه قرار

مصاحبه می گذاشتیم، طیف سؤالانم خیلی با امروز

م تفاوت بود. سال اخیر باید سال سختی برای شما

و همکارانتان بوده باشد.

بله، سال گذشته برای حوزه بحران و امداد و نجات، سال عجیبی بود. ما علاوه بر فعالیت های نوروز و هفته هلال ۱۴۰۴، جنگ دوازده روزه و بعد از آن جنگ تحمیلی سوم را داشتیم. شرایط آن برای همه ما جدید بود؛ در این شرایط بود که فهمیدیم امداد و نجات در جنگ با امداد رسانی در سیل و زلزله چقدر فرق می کند. دو جنگ جدی را کشور تجربه کرد که یکی از آن ها منتهی به بزرگ ترین غمی بود که می شد برای ملت ما رقم بخورد؛ غم از دست دادن رهبری که مطمئناً جهان سال های سال در هاست. بعد حرف خواهد زد. البته در پس هر سختی، آسایشی هم هست. بعد از این تجربه ها، انسجام، توانمندی، آمادگی و تاب آوری ما بیشتر شد. در مواجهه با جنگ، اصل ما پاسخگویی سریع، واکنش سریع و تاب آوری بود. این تجربه نشان داد که الگوی عملیاتی منطبق بر پهنه بندی چقدر مهم است. در همین روزهای جنگ، نیروهای امدادی هلال احمر، به لطف خدا نتوانستند فقط در تهران، ۹۶۱ نفر راننده از زیر آوار بیرون بیاورند.

یعنی معتقدید این جنگ، تاب آوری جامعه ما را در حوزه

امداد و نجات افزایش داده است؟

شک نکنید؛ در همین مدت به ابتکار جمعیت هلال احمر، الگویی در تهران در نظر گرفته شد که متوسط حضور تیم ها از ۱۲ تا ۱۴ دقیقه رادر جنگ دوازده روزه به ۴ دقیقه در جنگ چهل روزه رساند. از سوی دیگر مدیران ارشد، امکانات خوبی در حوزه تجهیزات انفرادی و عملیاتی فراهم کردند. در همین استان خودمان فقط در یک سال گذشته، بیش از ۷۰ خودرو به هلال احمر اضافه شد؛ ۳۰ خودرو سواری صفر کیلومتر و ۴۰ خودرو امدادی. تا پیش از این، آخرین به روزرسانی اقلام به ۱۹ سال قبل برمی گشت و آخرین خودروهای ما مربوط به سال ۲۰۰۶ بود.

این الگو را برای شهر مشهد هم به مرحله اجرا گذاشته اید؟

در مشهد هم شهر به ۵ پهنه تقسیم شد است و تیم های عملیاتی بر همان اساس در حال فعالیت اند تا در صورت وقوع حوادث مشابه، بتوانیم با همراهی و همکاری دستگاه های مختلف در کمترین زمان ممکن، امدادگرانه ورود کنیم.

خراسان رضوی و شهر مشهد در بسیاری از رسانه ها، سهمی

کمتر از سایر نقاط کشور دارند. باتوجه به سابقه ملی

که در هلال احمر کشور دارید، این چالش را در حوزه

امداد و نجات به خصوص در زمینه زیر ساخت ها و تجهیزات، حس

نمی کنید؟ به معنای دیگر، استان ما در این میانه کجای ماجرا ایستاده

است؟

برای اعلام رتبه دقیق استان از این نظر باید از سازمان امداد استعمال گرفت؛ چون من آمار خراسان رضوی را دارم، ولی آمار استان های دیگر را مستقیم ندیده ام. اما واقعیت این است که خراسان رضوی به دلیل جایگاه ویژه اش، نیاز امدادی بیشتری دارد. این استان، یکی از مهم ترین مقاصد گردشگری کشور است و به خاطر وجود حرم شریف حضرت امام رضا^(ع)، حساسیت بیشتری دارد. سالانه حدود ۳۰ میلیون زائر به مشهد مشرف می شوند و میانگین مسافت زمینی آن ها حدود ۸۰۰ کیلومتر است؛ یکی از تهران می آید که خودش فاصله ای حدود ۹۰۰ کیلومتر است، یکی از خوزستان، یکی از سمنان، یکی از خراسان شمالی؛ همه این ها نیاز امدادی استان را متفاوت می کند. مشکل اصلی این است که جاده ها در زمان ساخت، متناسب با این حجم تردد، پیش بینی نشده بودند. الان مصوبه ای صادر شده است که هر جاده ای بخواد ساخته شود، اورژانس، هلال احمر، آتش نشانی و پلیس راهور باید در آن دیده شوند. برای آژاد راه ها و بزرگراه های جدید هم نقشه راه مشخص شده است و در شورای ایمنی استان، ستاد ما هیانه تشکیل می شود.

با این توضیحات، مهم ترین چالش امداد و نجات این

منطقه را چه می دانید؟

خراسان رضوی با وجود نام پر عظمتش، به دلیل تمرکز نگاه ها بر مشهد و حرم مطهر امام رضا^(ع)، در بعضی بخش ها نیاز بیشتری به کار و توجه دارد. در حوزه امداد و نجات، ما از متوسط پایگاه های امداد و نجات کشور، ۲۲ پایگاه عقب هستیم. استاندارد دنیا می گوید هر ۴۰ کیلومتر باید یک پایگاه امداد و نجات وجود داشته باشد. این استاندارد هم استدلال علمی دارد؛ چون یک خودرو در شرایط عادی، اگر با سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند، حدوداً مسافت ۱۵ کیلومتری را در ۷ تا ۶ دقیقه طی می کند. این همان «زمان طلایی» است؛ یعنی زمان طلایی برای نجات بیماری که خونریزی دارد، یا جسمی در قفسه سینه اش وارد شده، یا کبد و طحال او آسیب دیده است. اگر نیروها در بازه ۱۰ دقیقه به صحنه برسند، می توانند امداد رسانی مؤثر انجام دهند. در غیر این صورت، آسیب هایی مثل خونریزی داخلی، مسمومیت، آسیب به طحال، مشکل تنفسی یا ضربه مغزی، ممکن است رخ دهد. وقتی وارد استان شدم، تصمیم گرفتم با کمک مردم، مدیران استان و حمایت های تهران، عقب ماندگی این ۲۲ مرکز را در یک برنامه چهار ساله جبران کنم. از کنبلی سرخس تا آب روان مشهد حدود ۱۵۰ کیلومتر راه است، اما فقط دو پایگاه امداد و نجات در این فاصله وجود دارد؛ یعنی فاصله ۲۰ کیلومتری عملاً برابر شده است.

به موفقیتی

هم در این

زمینه

رسیدید؟

بله، با همکاری استاندار، معاونان ایشان، سازمان برنامه و حمایت های تهران، یک طرح جهادی را آغاز کرده ایم. با کمک خدا، می توانیم ۱۴ فقره از پایگاه های عقب افتاده مان را در ۱۴ ماه سامان بدهیم. بخشی از این ها، پایگاه جدید خواهد بود و بخشی پایگاه هایی هستند که وجود دارند، اما امکانات حداقلی برای زیست امدادگر ندارند.

از هفته هلال احمر اسامی می خواهم طرحی به نام طرح جهادی ۱۴ را شروع کنیم تا ظرف ۱۴ ماه بر پایه ضوابط ابلاغی سازمان امداد و نجات، ۱۴ پایگاه به استان اضافه شود. قطعاً این کار بدون کمک خیران، دشوار است. در تمام این سال ها فقط ۲۵ تا ۳۰ پایگاه داشته ایم، بنابراین روشن است که این کار در یک بازه زمانی کوتاه، نیازمند تلاش جدی است. عدد ۱۴ بیشتر اشاره به چهارده معصوم^(ع) دارد، اما اصل ماجرا این است که به اندازه توان خودمان تلاش کنیم. امام شهید انقلاب به ما یاد داده اند که هرچه هدف بزرگ تر باشد، امکان رسیدن به آن بیشتر است.

پس، از خیران هم می خواهید وارد این موضوع شوند؟

حتماً؛ هلال احمر ذاتاً بر کمک مردم استوار است.

هر چند دولت و مجلس، بهترین حمایت ها را از ما می کنند، اما زیبایی کار در هلال احمر وقتی کامل می شود که با کمک مردم همراه شود.

کار در خراسان رضوی و مشهد با این حجم از زائر که گفتید،

برای کسی که اصالتاً اهل جای دیگر است، سخت نیست؟

ظاهراً یک خط ارتباطی با اصفهانی ها هم دارید؛ هم فراابی

زبازند اصفهانی ها در بین خراسانی ها هم دیده می شود؟

من متولد تهران و بزرگ شده این شهرم، با این حال اصالت پدری ام به گلیا یگان برمی گردد. خدوم یک دوره پنج ساله هم در اصفهان دانشجوی بودم و در خوابگاه زندگی می کردم. در استان اصفهان، دبیر کانون دانشجویی بودم. اصفهان در کار گروهی خیلی مشهور است،

اما در خراسان رضوی هم صفا و صمیمیتی وجود دارد که سبب شده است توان اجرایی و عملیاتی استان بسیار عالی باشد. خراسان رضوی از نظر تردد زائر و مناسبت های مذهبی، بسیار پر حجم است؛ دهه آخر صفر، نوروز، شب های قدر و مناسبت های دیگر، مشهد را همیشه شلوغ نگه می دارد. من چون ۱۷ سال در سطح ملی کار کرده ام، به خوبی می بینم که ظرفیت عظیم خراسان رضوی برمی گردد به یک توان افزون مدیریتی که در علم مدیریت به آن «انگیزش» می گویند. انگیزه کار در هلال احمر خراسان رضوی، به دلیل حرم شریف امام رضا^(ع)، بسیار زیاد است.

این حجم کار، شما را خسته نکرده است؟

معتقدم انسان ها دو نوع خستگی دارند؛ خستگی جسمی و خستگی روحی. خستگی جسمی، طبیعی است و اگر بگویم وجود نداشته، اغراق کرده ام؛ مثلاً ۱۹ اسفند تا امروز، ستاد قراگاه جنگ خراسان رضوی حدود ۸۰ جلسه در استانداری برگزار کرده است. این یک کار ویژه بود. اما در عوض، وقتی کار می کنیم، احساس می کنیم یک قدم به حضرت رضا^(ع) نزدیک تر شده ایم و همین به ما آرامش می دهد.

یکی از کم شده های کشور

در حوزه مقابله با حوادث،

همانند بسیاری از حوزه ها،

بحث آموزش است؛ گواه این

موضوع را نیز می توانیم در نوع

خود یعنی آموزش

از مهم ترین رسالت های

خود یعنی آموزش

رأبه درستی انجام داده

است؟

آموزش، گستره متنوعی دارد؛ از آموزش رفتار صحیح هنگام وقوع حادثه تا آموزش امداد و نجات. در این زمینه، هلال احمر نقش مهمی دارد. ما آموزش را به چند مسیر سوق داده ایم؛ آموزش کانون محور در دانشگاه ها، مدارس، خانه های هلال و مناطق حاشیه شهر و روستا و همچنین آموزش از طریق رسانه ها. در همین چند وقت، ۲۸ هزار نفر را آموزش داده ایم. در مساجد هم برنامه ای داشتیم که هر شب، ۵ مسجد و در استان هر شب، ۲۰ مسجد را پوشش می داد. البته اگر آموزش را زیربنای همه چیز بدانیم، باید بیشتر برای آن تلاش کنیم. کلاس های آموزش همگانی هلال احمر نیز به صورت الکترونیک در دسترس است. بخشی از آموزش ها غیر حضوری است، اما بعضی مهارت ها مثل پانسمان، بانداز و CPR باید عملی آموزش داده شود. کسانی که وقت کمی دارند، می توانند از آموزش های کوتاه مجازی و اینفوگرافی ها استفاده کنند و کسانی که وقت بیشتری دارند، دوره های حضوری و عملی شرکت کنند و گواهی نامه بگیرند. ساختمانی که در همین مکان در بولوار شاهد مشهد در حال ساخت است، نیز خود نشان دهنده اهتمام مجموعه هلال احمر به موضوع آموزش است.

ظاهراً مرکز بزرگی هم هست؛ تمام این فضا برای آموزش

در نظر گرفته شده است؟

این مرکز بعد از نزدیک ۴۰ سال، به همت عزیزان دلسوز مدیریت شهری ساخته می شود و من وظیفه دارم از آن ها تشکر کنم. این مرکز آموزشی قرار است تا یک سال آینده به یکی از مراکز تبدیل شود که در امداد و نجات، با استفاده از هوش مصنوعی و شبیه ساز، به نوجوانان و جوانان رفتارهای درست در سیل، زلزله، تصادف، کوهنوردی، خطرات کوهنوردی و جنگ و انفجار را آموزش بدهد.



عکس: هلال احمر خراسان رضوی

جنگ اخیر به ما ثابت کرد که در کشور، از نبود پناهگاه

و سامانه های هشداردهی در زمان جنگ، رنج می بریم؛ به عنوان

یک کارشناس این کمبود را یک خلأ بزرگ نمی دانید؟

نقدی که مطرح است، فقط مربوط به هلال احمر استان نیست و کل کشور را شامل می شود؛ البته به همت رزمندگان و نیروهای مسلح، ضرباتی که به دشمن وارد شد، بسیار بیشتر بود، اما در حوزه زیر ساخت، هنوز کارهایی باید انجام شود. اکنون در مدیریت شهری، همکاران در نقاط مختلف شهرویی این موضوع کار می کنند. البته پناهگاه فقط برای زمانی نیست که یک موشک از مرز عبور کند و از زیره صدا درآید. بخشی از تهدیدها مربوط به پنهان ها، هواپیماهای رادارگریز و تهدیدهای نزدیک برد است. در کنار این، مردم هم باید نقاط امن منازل خود را بشناسند. خیلی از خسارت های این حوادث، ناشی از شکستن شیشه ها، افتادن تابلوهای سنگین یا سقوط لوسترهای سنگین است. بخشی از کاهش آسیب، به آموزش اجتماعی برمی گردد و بخشی هم به نظام مهندسی و ساخت وساز.

وضعیت پدافند غیرعامل در مشهد و استان را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر قبل از جنگ از من می پرسیدید، می گفتم تا نقطه آرمانی فاصله بسیار زیادی داریم. اما الان می گویم که در دوران جنگ، مدیران مرتبط با بحران، از صبح تا شب برنامه ریزی و هماهنگی کرده اند و بسیاری از عیوب برطرف شده است. در حوزه پدافند غیرعامل هم الان آمادگی عملیاتی، مسیری طولانی را طی کرده است. شاید دو سالی پیش، کسی فکر نمی کرد چنین شرایطی پیش بیاید، اما الان می توانم با اطمینان بگویم که سطح آمادگی عملیاتی، خیلی بهتر شده است. البته شرایط ساخت وسازها، اقلیم و گسل ها هم باید در نظر گرفته شود. آنچه من در شورای اداری استان می بینم، این است که تدابیر و قوانین بازدارنده خوبی وجود دارد. در ستاد بحران هم دادستانی و نهاد های امنیتی نقش داشته اند. بافت پیرامون حرم امام هشتم^(ع) هم موضوع مهمی است که باید برای آن تدبیری اندیشید.

یکی از مهم ترین امتیازهای امدادی هلال احمر استان، دارا

بودن ناوگان هوایی است؛ این ناوگان به درستی به انجام

وظیفه مشغول است؟

ما یک هلی کوپتر داریم که به صورت بیست و چهار ساعته در استان مستقر است. در موضوع امداد هوایی، معین اورژانس هستیم. هلی کوپترهای هلال احمر کار درمانی نمی کنند؛ وظیفه آن ها، تأمین لجستیک و کمک به نجات در مناطق صعب العبور، کوهستانی و شرایط خاص است.

در سال های گذشته این هلی کوپتر، حاشیه هایی از جنس

خدمت رسانی به برخی مسئولان و انجام خدمت خارج

از وظیفه سازمانی داشت که سبب ساز نگرانی ها و انتقادهایی

شده بود؛ این مشکل حل شده است یا کماتان وجود دارد؟

این هلی کوپتر زیرمجموعه شرکت خدمات هلی کوپتری نوید است که زیر نظر سازمان امداد و نجات هلال احمر تهران کار می کند. رئیس جمعیت هلال احمر هم بخشنامه ای صادر کرده است که این فروند فقط باید در خدمت امداد و نجات باشد. هلی کوپتر گفته شده باید روشن و فعال باشد؛ چون اگر مدت زیادی خاموش بماند، قطعاتش آسیب می بیند، اما مطمئن باشید که تمام فعالیت آن ذیل وظایف محوله برای خدمت رسانی در هلال احمر انجام می شود.

به تلخی سال گذشته اشاره کردید، تلخ ترین خاطره شما

از جنگ اخیر به عنوان یک امدادگر چه بود؟

برای ما، مثل شما، تلخ ترین حادثه، از دست دادن رهبر حکیم و مهربانمان بود. در حوزه امداد و نجات خراسان رضوی، هم بچه های ما در بیت رهبری عملیات انجام می دادند. برای خود من، خیلی سخت بود تیمی را سازمان دهی کنم تا در جایی که این حادثه تلخ بر ایمان رقم خورده است، فعالیت کند. اما این بچه ها آن قدر خوب عمل کردند که رئیس هلال احمر، دبیرکل و همه مسئولان عملیاتی، از عملکرد خراسان رضوی و تیم اعزامی رضایت کامل داشتند. آن ها در تفحص شهدا هم حضور داشتند. اما یکی از صحنه هایی که برای من خیلی تلخ بود، نوزاد چهل روزه ای بود که از خانه پرت شده و در آغوش یک درخت افتاده بود. درخت از انسان ها معرفت بیشتری نشان داد و نگذاشت پیکر این نوزاد روی زمین بیفتد. این صحنه برای من بسیار سنگین بود.